

تأسیس تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (مصوب ۱۹۸۰ وین) با نگاهی به مقررات ایران، انگلستان و ولز و فرانسه

مجتبی زاهدیان^۱، جواد جعفری^۲

^۱ جواد جعفری دانشجوی دکترای حقوق خصوصی

^۲ مجتبی زاهدیان استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

نویسنده مسئول:

مجتبی زاهدیان

چکیده

تأسیس تقلیل یا تخفیف خسارت که مورد اهتمام کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ قرار گرفته است ریشه در نظام حقوقی کامن‌لا دارد؛ برحسب نهاد حقوقی مزبور، زیان‌دیده باید اقدام‌های معقولی را در راستای تقلیل خسارات انجام دهد. نویسندگان کنوانسیون در ماده ۷۷ آن سند بین‌المللی به مسئله تقلیل خسارت اشاره نموده و ضمانت‌اجرای آن را نیز امکان طرح ادعای کاهش خسارت به میزان خسارت تقلیل‌شده معرفی نموده‌اند. در نظام‌های حقوقی انگلستان و ولز و فرانسه، اگرچه نهاد حقوقی یادشده به صراحت مورد تبیین قرار نگرفته ولی حائز اثر قلمداد گردیده است. این نارسایی در نظام حقوقی ایران نیز به چشم می‌خورد. با این وجود، در این زمینه، مفاد قاعده فقهی اقدام، راهگشا مورد احتساب قرار می‌گیرد. با این ترتیب، در این جستار قصد و تلاش بر آن است تا به ارزیابی نهاد تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و نظام‌های حقوقی فرانسه، انگلستان و ولز و ایران پرداخته شود.

واژگان کلیدی: بیع، خسارت، تقلیل خسارت، اقدامات معقول و متعارف.

مقدمه

با تسهیل ارتباطات و گسترش تجارت در عرصه جهانی، ترسیم اسناد بین‌المللی برای یکپارچه‌سازی احکام و شرایط ناظر بر معاملات بین‌المللی حیاتی جلوه می‌نماید؛ در این زمینه، در زمره مهمترین کنوانسیون‌های موجود کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۱ می‌باشد که در سال ۱۹۸۰ در وین به تصویب جامعه جهانی رسید. این کنوانسیون مرهون تلاش چند ده ساله اعضای جامعه بین‌المللی در زمینه تدوین مقررات همسان در زمینه بیع بین‌المللی بود.

تأسیس تقلیل خسارت^۲ یکی از نهادهای حقوقی قلمداد می‌گردد که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ تأسیس مزبور به معنای آن است که شخص متضرر باید اقدامات متعارف و معقول را در راستای تخفیف و تقلیل خسارت به وجود آمده، مبذول دارد. در واقع، اگرچه خسارت‌هایی به شخص زیان‌دیده وارد آمده است و تعهد به جبران آن‌ها بر عهده زیان‌زننده وجود دارد ولی این باعث نمی‌شود تا زیان‌دیده را از توسل به اقدام‌های متعارف در جهت کاهش خسارت و جلوگیری از انباشت آن مشمول بازخواست قرار نداد.

با تتبع و بررسی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ملاحظه می‌گردد که نهاد تقلیل خسارت آن‌طور که لازم است مورد تفصیل قرار نگرفته است؛ منظور آن است که در خصوص احکام و شرایط ناظر بر آن تفصیل صورت پذیرفته است. به طور مثال، در کنوانسیون به صراحت مشخص نشده است که مقصود از اقدامات معقول و متعارف از چه قرار است.

تدقیق در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان و ولز نیز نشان می‌دهد که تأسیس تقلیل خسارت به طور صریح در قالب یک قاعده حقوقی مورد احتساب قرار نگرفته است؛ با این وجود، این موضوع که زیان‌دیده موظف است تا نسبت به عملیاتی‌نمودن تدابیر معقول در مسیر کاهش خسارت اقدام نماید به نحو ضمنی در هریک از نظام‌های حقوقی یادشده مورد شناسایی قرار گرفته است.

با بررسی نظام حقوقی ملی نیز ملاحظه می‌گردد که تأسیس تقلیل خسارت به صراحت، مطمح‌نظر مسئولان تقنینی قرار نگرفته است؛ به عبارتی دقیق، سعی نشده است تا نارسایی‌ها و ابهام‌های ناشی از نهاد حقوقی یادشده که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا متجلی شده است مورد رفع قرار گیرد.

با این مراتب، پرسشی که ذهن را به خود معطوف می‌سازد آن است که تقلیل خسارت به شرح مندرج در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در نظام حقوقی ملی نیز منشأ اثر بوده و حکمی از آن مترتب می‌گردد؟ در این ارتباط گفتنی است، این امکان طی شرایطی موجود است تا حکم قاعده فقهی اقدام را در مواردی که زیان‌دیده این توانایی را دارد تا نسبت به تولید و انباشت خسارت، واکنش نشان دهد و از تحقق بیشتر زیان خودداری ورزد، جاری انگاشت.

به همین روی، در این تحقیق قصد و تلاش بر آن است تا در گام اول، با مفهوم نهاد تقلیل خسارت آشنا شده و سپس به تبیین و تحلیل ماهیت نهاد مزبور در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و نظام حقوقی ملی اقدام شود تا سرانجام مشخص گردد که چه آسیب‌ها و نارسایی‌هایی راجع به تأسیس حقوقی یادشده وجود دارد.

۱. تقلیل خسارت

شناخت مفاهیم هر تحقیق امری اجتناب‌ناپذیر برای تسهیل درک مخاطب نسبت به انجام مطالعات و بررسی‌های موجود در مورد تحقیق است.

به همین منظور، تعریف تقلیل خسارت از منظر لغوی و اصطلاحی در دستور کار قرار می‌گیرد.

۱-۱. از منظر لغوی

عبارت «تقلیل خسارت» از دو واژه «تقلیل» و «خسارت» تشکیل یافته است؛ در فرهنگ لغات فارسی، تقلیل در معنای کاستن، کاهش دادن، کم کردن آمده است. خسارت به معنای زیان‌بردن، زیان‌کاری، ضرر کردن، زیان و ضرر آمده است. (معین ۱۳۸۶: ۶۲۶ و ۴۷۵)

1. Convention on Contracts for the International Sale of Goods. To see the convention, refer to the following link:

http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/sale_goods/1980CISG.html

2. Mitigation of damages.

در ترمینولوژی حقوق، خسارت مشتمل بر معانی ذیل آمده است:

الف) مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود؛
ب) زیان وارد شده را هم خسارت گویند؛ برای صدق مفهوم خسارت باید تجاوز به مال غیر خواه مستقیم خواه غیر مستقیم صورت پذیرفته باشد. در این صورت، قصد تخلف از یکی از مقررات جاری کشور شرط تحقق خسارت است مثل این که کسی قراردادی منعقد کند و در انجام تعهد خود تأخیر نماید. خسارت به این معنا خسارت حقیقی است. خسارت حکمی نیز در جایی است که قصد تخلف وجود ندارد ولی قانون آن را در حکم خسارت دانسته است. اتلاف مال غیر بدون قصد نیز منشأ خسارت است. (لنگرودی ۱۳۷۷: ۲۶۰)
همچنین شایان توجه است، معادل خسارت در فرهنگ لغات انگلیسی damage است. اصطلاح خسارت وارده به اموال نیز damage to property است. (رفیعی ۱۳۹۱: ۱۳۶)

خسارت شامل انواع خسارت از خسارت، خسارت تأخیر اداء، خسارت تأخیر انجام تعهد، خسارت دادرسی، خسارت عدم انجام تعهد خسارت عمدی، خسارت غیر عمدی، خسارت قانونی، خسارت مادی و خسارت واخواست می‌باشد. (لنگرودی ۱۳۷۷: ۲۶۰ تا ۲۶۲)
پس از آن که نسبت به مفهوم واژه‌های تشکیل‌دهنده نهاد تقلیل خسارت شناخت کسب شد، حال نوبت آن است تا به معنای اصطلاحی تقلیل خسارت پرداخته گردد.

۲-۱. از منظر اصطلاحی

تأسیس تقلیل خسارت همانطور که از عنوانش نیز هویداست به دنبال به حداقل رساندن و کاهش خسارت ایجاد شده آن هم با اتکاء به تدابیر متعارف و معقول می‌باشد.

باری در زمره قواعد مهم جبران خسارت، قاعده تقلیل خسارت بوده و به موجب آن زیان دیده وظیفه دارد به هنگام ورود ضرر، هرگونه اقدام متعارفی را که برای کاهش خسارت لازم است، انجام داده و از توسعه زیان جلوگیری کند و در غیر این صورت، استحقاق مطالبه تمام خسارت وارده را نخواهد داشت. (شعاریان و مولایی ۱۳۹۲: ۳۵)

بنا به تعریفی دیگر، معنای نظریه تقلیل یا تخفیف خسارت آن است که هرگاه شخصی به سبب تقصیر دیگری در معرض ضرر قرار گیرد، موظف است در حد متعارف اقدامات متعارف را برای جلوگیری یا کاستن از خسارت انجام دهد. (ابهری و کاویار ۱۳۹۲: ۷۹)
بنابراین شخص زیان دیده ملزم است تا تمام تلاش خود را جهت کاهش خسارت وارده به کار گیرد؛ همه آن چه از این حیث مورد نیاز است، تدابیر معقولی است که بنا به اوضاع و احوال موجود انتظار تحقق آن می‌رود. (Niesley, 2000, 161) تقلیل خسارت در تمام تعهدات قراردادی^۱ به عنوان یک قاعده عمومی در جریان است. (Klinger, Haley, Bachrach, Trial, & Section, 2008, 429)
به طور مثال، زمانی که کارفرما، کارمند خود را به طور غیر قانونی اخراج می‌نماید، کارمند موظف است با اتکاء به تدابیر معقول در راستای کاهش خسارت اقدام نماید. (Hudson, 2010: 390)

با این ترتیب می‌توان گفت، مقصود از تقلیل خسارت آن است که شخص متضرر، اقدامات معمول و سنجیده را جهت جلوگیری از ایراد خسارت بیشتر مبذول دارد به طوری که خسارت ایجاد شده به کمترین حد ممکن برسد.
بعد از آشنایی با دکترین تقلیل خسارت لازم است تا به این پرسش پاسخ داد شود که دکترین مزبور ریشه در کدام نظام حقوقی (رومی‌ژرمنی یا کامن‌لا) دارد.

به همین منظور، وضع تقلیل خسارت در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان به ترتیب ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰)

تأسیس تقلیل خسارت در لوای یکی از نهادهای حقوقی قلمداد می‌گردد که مطمح نظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در سال ۱۹۸۰ قرار گرفته است.

۱. Contractual undertaking.

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ در پاسخ به نیاز عمومی تجار بین‌المللی برای وجود مقررات یکنواخت تدوین شده است. اهمیت این کنوانسیون از تلاش طولانی و مداوم محققان و دانشمندان به نام کشورهای گوناگون به خوبی درک می‌شود. کنوانسیون مزبور، شکل تکامل یافته دو کنوانسیون لاهه مصوب ۱۹۶۴ است.^۱ با این مراتب، طی این فراز به بررسی نهاد تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰) پرداخته می‌شود؛ بدین منظور، ابتدا به تبیین حکم تقلیل خسارت یا اثر عملی آن پرداخته می‌گردد و متعاقب بر آن، مختصات حقوقی نهاد تقلیل خسارت مورد تشریح و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲. اثر عملی تقلیل خسارت

با تدقیق در مواد موجود در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مشاهده می‌گردد که نویسندگان سند بین‌المللی مزبور در ماده ۷۷ به موضوع تقلیل خسارت تصریح نموده‌اند؛ وفق ماده حاضر:

«طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند ملزم است حسب اوضاع و احوال در جهت کاهش زیان من جمله عدم النفع ناشی از نقض اقدامات متعارف را معمول دارد در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق‌الذکر تصور نماید نقض‌کننده می‌تواند به میزانی که خسارت می‌باید تقلیل می‌یافته است، مدعی کاهش خسارت گردد».^۲

مطابق با ماده مذکور، در تقلیل خسارت، فرد متضرر باید تا حد توانایی نسبت به تخفیف و تقلیل خسارت اقدام عملی نموده باشد؛ مقصود آن است که تمامی تدابیری را که مطابق با اوضاع و احوال ناظر بر قرارداد، معقول قلمداد می‌گردند می‌بایست در جهت کاهش وقوع خسارت به کار گرفته می‌شده است.

در واقع باید خاطرنشان نمود، ماده ۷۷ از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، قاعده پیشگیری^۳ را بنیان نهاده است؛ در این ارتباط، مطابق با بخش دوم از ماده اخیر، در جایی که طرف متضرر به طور متعارف و معقول ملزم به انجام اقدام‌هایی در راستای تقلیل خسارت وارده بر خود بوده ولی از چنین اقدامی خودداری نموده است، میزان استحقاق وی به میزان مبلغی که در صورت کاهش خسارت استحقاق جبران آن را می‌یافت، تقلیل می‌یابد. در ارتباط با اقدام‌های مناسبی که هریک از دو طرف می‌تواند برای کاهش خسارات انجام دهد، تصریحی در کنوانسیون صورت نپذیرفته است ولی این اقدام‌ها اعم است از اقدام‌های فروشنده در بازفروش کالا یا اقدام‌های خریدار در انجام خرید جایگزین و امثال آن‌ها.^۴

البته به نظر می‌رسد، در حال حاضر قاعده تقلیل خسارت فراتر از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا رفته و تبدیل به یک قاعده کلی حقوق بین‌الملل شده است و در نتیجه صرفاً در مورد بیع بین‌المللی موضوعیت پیدا نمی‌کند؛ در این خصوص، دیوان بین‌المللی دادگستری^۵ در دعوی مجارستان علیه اسلواکی بیان داشته است:

«اسلواکی همچنین بر این عقیده بود که اقدام به تقلیل خسارت کرده است ... (اسلواکی) اعلام کرده است که این یک قاعده کلی حقوق بین‌الملل است که دولتی که به واسطه عدم انجام تعهدات دولت دیگر زیان دیده است باید اقدام به تقلیل خسارت کند در غیر این صورت استحقاق ادعای غرامت برای خسارت قابل اجتناب را ندارد. این قاعده می‌تواند منبعی برای محاسبه خسارت باشد، به عبارت دیگر، نمی‌تواند توجیه‌کننده عمل غیر قانونی باشد» (زهرایی ۱۳۸۳: ۲۲۸)

پس از آن که نسبت به سیمای تأسیس تقلیل خسارت و اثر عملی آن در ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بحث شد، حال نوبت آن است تا در ارتباط با مختصات حقوقی ناظر بر تقلیل خسارت، بحث و بررسی صورت پذیرد.

^۱ . رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۴)؛ پیش‌بینی نقض قرارداد، نشریه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۱۶.

^۲ . "A party who relies on a breach of contract must take such measures as are reasonable in the circumstances to mitigate the loss, including loss of profit, resulting from the breach. If he fails to take such measures, the party in breach may claim a reduction in the damages in the amount by which the loss should have been mitigated."

^۳ . Prevention rule.

^۴ . صفایی، سید حسین و بقیه؛ پیشین، ص ۲۲۸.

^۵ . International court of justice (ICJ).

۲-۲. مختصات حقوقی ناظر بر تقلیل خسارت

تقلیل خسارت مانند هر تأسیس دیگری از یک سری ابعاد حقوقی برخوردار است که شناخت آن‌ها برای عملیاتی نمودن آن تأسیس حقوقی لازم می‌آید؛ بدین صورت، در این قسمت به تبیین و بررسی ابعاد حقوقی ناظر بر نهاد تقلیل خسارت به موجب آن چه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا آمده است، پرداخته می‌گردد.

ابتدا از معرفی و بررسی وصف توسل به اقدامات متعارف توسط متضرر قراردادی به عنوان یکی از ابعاد مربوط به نهاد تقلیل خسارت آغاز می‌شود.

۱-۲-۲. انجام اقدام‌های معقول توسط متضرر قراردادی

مهمترین رکن برای اجرایی شدن نهاد تقلیل خسارت به شرح موجود در ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، آن است که شخص متضرر با توسل به اقدام‌های معقول^۱ نسبت به کاهش خسارت اقدام ورزد.

در یک نمای اجمالی باید متذکر شد، در راستای تعیین حدود خساراتی که قابلیت جبران دارند، نظام‌های حقوقی مختلف با روش‌های گوناگون، وظایفی را برای طرف متضرر مرقوم داشته‌اند که با انجام آن‌ها وی استحقاق دریافت خسارت را پیدا می‌کند و مهمترین این تکالیف، وظیفه تقلیل خسارت است؛ بدین شکل، شخص متضرر موظف است تمامی اقدام‌هایی را که برای کاهش خسارات متصور است، چه در مورد اصل خسارت و چه در خصوص خسارت در منافع به عمل آورد. البته همانطور که پیشتر نیز بیان شد، که این اقدام در تقلیل خسارت زمانی الزام‌آور خواهد بود که اقدامی معقول و متعارف بوده و منطبق با قرارداد باشد و اگر چنین نباشد طرف متضرر، رسالت و تعهدی در زمینه کاهش خسارت نخواهد داشت. به علاوه اگر برای انجام این اقدامات پیشگیرانه، متحمل هزینه‌هایی نیز شود این حق را خواهد داشت تا جبران آن‌ها را مورد مطالبه قرار دهد. (صفایی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۲۷)

به عبارتی دقیق، متضرر از وقوع خسارت پدیدآمده از قرارداد موظف انگاشته شده است تا در قبال آن تدابیری را به کار گیرد که خسارت به حداقل برسد. در غیر این صورت، این امکان وجود دارد تا دامنه خسارت از آن چه در ابتدا بوده است به خاطر عدم اقدام به موقع متضرر فراتر رود.

از طرفی، هرگاه اقدام‌های معقول از سوی شخص متضرر برای تقلیل خسارت انجام نشود شاید نتوان رابطه سببیت میان خسارت با رفتار نقض‌کننده را برقرار نمود؛ به واقع، هرگاه معلوم شود که زیان‌دیده هیچ اقدامی را در جهت تقلیل و تخفیف خسارت به عهده نگرفته است می‌توان گفت که ارتباط سببی بین فعل مرتکب و زیان وارد شده وجود ندارد و خود زیان‌دیده عامل ورود خسارت خواهد بود. به طور مثال، شخصی که در حادثه‌ای و بر اثر فعل مرتکب، بینایی خود را از دست داده است می‌بایست اقداماتی را در راستای تقلیل خسارت معمول دارد، او باید راه رفتن با عصای مخصوص را یاد بگیرد یا حداقل سگ آموزش‌دیده‌ای با خود همراه داشته باشد که وی را از وجود موانع و نقاط حادثه‌خیز آگاه سازد، بنابراین هرگاه زیان‌دیده اقدام به هیچ تلاشی در جهت تقلیل خسارت احتمالی ننماید و به دلیل نابینایی در چاله مترو سقوط کند، نمی‌توان فعل مرتکب را سبب ورود زیان دانست. (حاجی‌نوری ۱۳۸۹: ۷۴)

به هر شکل، طبق قاعده تقلیل خسارت، زیان‌دیده باید در جهت کاهش خسارات وارده به خود تدابیر معقول را به کار ببندد؛ منظور از اقدام‌های معقول که متضرر برای دفع خسارت بیشتر باید به کار ببندد با در نظر گرفتن اوضاع و احوال^۲ ناظر بر هر قضیه به طور مورد معلوم می‌شود.

در این زمینه و به اعتقاد پروفسور زیلر، معقول بودن اقدامات انجام‌یافته امری موضوعی به حساب می‌آید که و از آنجایی که اوضاع و احوال هر قضیه با قضیه دیگری متفاوت است بنابراین ارزیابی معقول بودن اقدام‌های به کارگرفته شده هنگامی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که تحت اوضاع و احوال مربوطه بتوان انجام آن را از شخص دارای حسن‌نیت انتظار داشت و این که اقدام مزبور در مقایسه با زبان کافی و بازدارنده بوده باشد. همچنین باید اضافه کرد، در تحلیل اوضاع و احوال مربوطه بایستی به ماهیت کالا، نوسان قیمت بازار، نوآوری، تجربه

^۱ . Reasonable measures.

^۲ . Circumstances in a case.

و منابع مالی زیان دیده توجه کافی عنایت داشت. بنابراین رعایت تعهد به تقلیل خسارت مستلزم انجام اقدامات غیر عادی و خارق العاده نیست.^۱

۲-۲-۲. پیوند خسارت قراردادی با تقلیل خسارت

یکی از مواردی که نیاز است نسبت به بررسی پیوند آن با تأسیس تقلیل خسارت بررسی صورت پذیرد، خسارت قراردادی است؛ منظور آن است که هرگاه متعاقدين در معامله منعقد، خسارت قراردادی را تصریح نموده باشند امکان تبلور تقلیل خسارت مطرح می گردد یا خیر. در حقیقت، با عنایت به این که در خسارت قراردادی، زیان زنده ملزم است مبلغ تصریح شده در قرارداد را به عنوان خسارت بپردازد، بنابراین ممکن است بیان شود که از این حیث، زیان دیده نیز التزامی به کاهش خسارت نمی یابد.

در این ارتباط گفته شده است، چنین دیدگاهی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا مورد قبول قرار نگرفته است؛ زیرا این دیدگاه غالباً در کشورهایی مورد تأیید حقوقدانان و رویه قضایی قرار گرفته است که تکلیف به رعایت حسن نیت و تقلیل خسارت در مقررات آن ها صریحاً پیش بینی نشده است اما با ملاحظه این که کنوانسیون نسبت به پرداخت مبلغ معین در صورت نقض قرارداد نیز قاعده تقلیل خسارت اعمال خواهد شد. البته باید توجه داشت که تعهد به تقلیل خسارت برخلاف تفسیر دبیرخانه از پیش نویس ماده ۷۷ کنوانسیون تعهد به معنای واقعی نیست بدین توضیح که عدم رعایت آن مسئولیت زیان دیده را به دنبال نخواهد داشت بلکه عملی است که انجام آن به نفع خود زیان دیده است؛ زیرا در غیر این صورت از مطالبه خسارتی که می توانست با انجام اقدامات معقول از ورود یا از توسعه آن جلوگیری به عمل آورد محروم خواهد شد و چنین دیدگاهی مورد پذیرش بیشتر حقوقدانان قرار دارد. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳: ۹۱۷ و ۹۱۸)

۴-۳- هزینه های ناظر بر تقلیل خسارت

در سوی مخالف پاره ای از اسناد بین المللی یعنی اصول قراردادهای بازرگانی و بین المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا که به نحو صریحی، زیان دیده را مستحق مطالبه هزینه های معقولی که به منظور کاهش خسارت ناشی از نقض صرف کرده است، دانسته اند، کنوانسیون بیع بین المللی کالا در این خصوص سکوت اختیار نموده است. اما در خصوص این که زیان دیده می تواند چنین خسارتی را در قلمروی کنوانسیون نیز مطالبه کند، شکی وجود ندارد. در واقع، چنین خسارتی به عنوان خسارت ناشی از نقض قرارداد تلقی خواهد گردید و در نتیجه طبق ماده ۷۴ کنوانسیون یاد شده^۲ از قابلیت مطالبه برخوردار است. هزینه های ناشی از اقدامات مربوط به تقلیل خسارت حتی در صورتی که به نتیجه منجر نشود و در صورت معقول بودن آن ها بر عهده نقض کننده قرار خواهد گرفت؛ زیرا تعهد به تقلیل خسارت از مصادیق تعهد به وسیله بوده و تعهد به نتیجه فرض نمی شود. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳: ۹۲۱)

ضروری نیست اقداماتی را که متضرر جهت تقلیل خسارت به انجام رسانیده است متضمن هزینه های بالا و دعاوی پیچیده باشد؛ زیرا در خصوص هزینه های نامعقول و گزافی که او بدین طریق به انجام می رساند استحقاقی جهت مطالبه پیدا نمی کند. (ابهری و کاویار ۱۳۹۲: ۸۴)

بنابراین اگرچه به صراحت، در متن کنوانسیون بیع بین المللی کالا در مورد هزینه ناشی از تقلیل بحث نشده است اما این هزینه ها در ردیف هزینه های نقض قرارداد به حساب آمده و نسبت به متضرری که در راستای تقلیل خسارت اقداماتی را انجام داده است، قابل مطالبه خواهد بود.

^۱ . شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد؛ پیشین، ص ۹۲۰.

^۲ . طبق ماده مرقوم: «خسارت ناشی از نقض قرارداد به وسیله یکی از طرفین عبارت است از مبلغی برابر با زیان از جمله عدم النفعی که طرف دیگر بر اثر نقض متحمل شده است این خسارت نمی تواند از مقدار زبانی که نقض کننده در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعیات و موضوعاتی که در همان موقع بدان ها واقف بوده یا می باید واقف می بوده، به عنوان اثر ممکن الحصول نقض قرارداد پیش بینی کرده یا می باید پیش بینی می کرده است، متجاوز باشد».

"Damages for breach of contract by one party consist of a sum equal to the loss, including loss of profit, suffered by the other party as a consequence of the breach. Such damages may not exceed the loss which the party in breach foresaw or ought to have foreseen at the time of the conclusion of the contract, in the light of the facts and matters of which he then knew or ought to have known, as a possible consequence of the breach of contract."

با این مراتب باید اذعان نمود که یکی از عمده نارسایی‌های مربوط به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در مورد تقلیل خسارت به عدم تصریح در خصوص جزئیات راجع به هزینه‌های متضرر است؛ در واقع، با صراحت معین نشده است که چه نوع هزینه‌هایی امکان مطالبه را فراهم می‌آورند و کدامیک از هزینه‌ها موجب حق مطالبه را فراهم نمی‌آورند. اگرچه در بالا گفته شد که متضرر نباید در مسیر تقلیل خسارت، هزینه‌های گزاف نماید اما به هر حال، باید مبنایی برای خسارات قابل مطالبه و غیر قابل مطالبه در کنوانسیون شکل می‌گرفت.

۵-۳- انحلال قرارداد (نقض قابل پیش‌بینی) در راستای تقلیل خسارت

از آن‌جا که منحل کردن عقد توسط متعهدله پس از روشن شدن عدم قدرت یا خواست متعهدعلیه بر انجام تکالیف آینده‌اش،^۱ دربردارنده خسارات به مراتب کمتری در قیاس با انتظارمندان وی تا فرارسیدن زمان انجام تعهدات و تخلف متعهدعلیه است، بنابراین می‌توان بر آن شد که متعهدله تکلیف دارد تا به منحل کردن قرارداد و انعقاد قرارداد جایگزین اقدام نموده تا از این حیث، جلوی ایراد ضرر بیشتر را بگیرد.

با این ترتیب، تکلیف به تقلیل خسارت که در ماده ۷۷ کنوانسیون بین‌المللی بیع کالا مرقوم داشته شده است یکی از مبانی قاعده نقض قابل پیش‌بینی و اعطای حق انحلال عقد به موجب آن است. وجود چنین مفردی (انحلال عقد) برای طرف متضرر عقد حتی به سود طرف نقض‌کننده نیز می‌باشد؛ زیرا که وی را از پرداخت خسارت بیشتر معاف می‌کند. (غفاری فارسانی ۱۳۸۸: ۲۴۰)

۶-۳- استثنای ناظر بر تقلیل خسارت

در ارتباط با این قضیه که آیا رسالت تقلیل خسارت توسط شخص متضرر به شرح موجود در ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از استثناء برخوردار است یا خیر، بررسی لازم صورت

نخستین استثنایی که بر تقلیل خسارت وارد است به نوع خسارت و توانایی شخص متضرر در تقلیل آن برمی‌گردد؛ هریک از این موارد به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف) نوع خسارت: گاهی نوع خسارت به وجود آمده به شکلی است که اصلاً امکان تقلیل آن وجود ندارد. ضابطه تشخیص در این خصوص، نوعی است.

ب) توانایی شخص متضرر: اگرچه نوع خسارت امکان تقلیل دارد اما شخص متضرر از چنان توانایی جهت تقلیل آن برخوردار نیست. معیار در این رابطه، شخصی است.

^۱ در این راستا ماده ۷۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا چنین بیان می‌دارد: «چنانچه پس از انعقاد قرارداد معلوم شود که یکی از طرفین به علل زیر، بخش اساسی تعهدات خود را ایفا نخواهد نمود، طرف دیگر حق خواهد داشت اجرای تعهدات خود را معلق نماید:

الف. نقصان فاحش در توانایی متعهد به انجام تعهد یا در اعتبار او؛ یا

ب. نحوه رفتار او در تمهید مقدمه اجرای قرارداد یا در اجرای قرارداد.

۲. چنانچه بایع پیش از ظهور جهات موصوف در بند پیشین، کالا را ارسال نموده باشد، می‌تواند از تسلیم آن به مشتری جلوگیری کند هر چند مشتری دارای سندی باشد که او را محق به وضع ید بر کالا می‌کند.

۳. طرفی که اجرای تعهدات خود را، خواه قبل از ارسال کالا یا بعد از آن ملحق می‌نماید مکلف است فوراً اخطار تعلیق را جهت طرف دیگر ارسال نماید و در صورتی که طرف مزبور در زمینه ایفای تعهد خود اطمینان کافی فراهم نماید اجرای تعهد خود را از سر گیرد».

"(1) A party may suspend the performance of his obligations if, after the conclusion of the contract, it becomes apparent that the other party will not perform a substantial part of his obligations as a result of:

(a) a serious deficiency in his ability to perform or in his creditworthiness; or

(b) his conduct in preparing to perform or in performing the contract.

(2) If the seller has already dispatched the goods before the grounds described in the preceding paragraph become evident, he may prevent the handing over of the goods to the buyer even though the buyer holds a document which entitles him to obtain them. The present paragraph relates only to the rights in the goods as between the buyer and the seller.

(3) A party suspending performance, whether before or after dispatch of the goods, must immediately give notice of the suspension to the other party and must continue with performance if the other party provides adequate assurance of his performance."

ماده ۷۷ اگرچه به شرایط بالا اشاره نکرده است اما به طور ضمنی می‌توان آن را استنباط نمود؛ ماده مذکور بیان کرده است که متضرر نباید در تقلیل خسارت قصوری را مرتکب شده باشد. بنابراین اگر متضرر واقعاً امکان تقلیل خسارت را نداشته باشد، آیا این موضوع می‌تواند مصداق قصور تلقی گردد؟ قطعاً پاسخ خیر است.

از طرف دیگر، در ماده ۷۷ آمده است که متضرر باید برحسب اوضاع و احوال، اقدامات لازم را مبذول دارد؛ بنابراین گاهی اوضاع و احوال مبین آن است که نوع خسارت ایجادشده در زمره خساراتی به حساب می‌آید که امکان کاهش آن وجود ندارد و از طرف دیگر، اگر یک شخص متعارف نیز در این جایگاه قرار داشت، امکان تخفیف چنین خسارتی را نداشت.

۷-۳- ضمانت اجرای مربوط به تقلیل خسارت

ضمانت اجرای مربوط به تقلیل خسارت ناظر بر مواردی است که شخص متضرر با توسل به تدابیر معقول زمینه کاهش خسارت را فراهم نیاورد.

به عبارتی دقیق، اگر شخص متضرر به تقلیل و تخفیف خسارت روی نیاورد، تکلیف چیست؟ در واقع، اگر برای شخص متضرر این امکان وجود داشته باشد تا با توسل به اقدامات معقول و متعارف از انباشت خسارت و توسعه آن جلوگیری به عمل آورد ولی با این حال، به این کار توسل نجوید باید بررسی کرد تا دید تکلیف از چه قرار است.

خوشبختانه ضمانت اجرای تقلیل خسارت در ماده ۷۷ کنوانسیون به صراحت مورد ذکر قرار گرفته است؛ به موجب ماده مزبور، چنانچه شخص متضرر با وجود توانایی به تقلیل خسارت روی نیاورد، زیان‌زننده می‌تواند به طرح ادعای کاهش خسارت آن هم به میزانی که خسارت می‌بایست تقلیل می‌یافته، اقدام ورزد.

در این ارتباط، ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا چنین اشعار داشته است:

«... در صورتی که وی در انجام اقدامات فوق‌قصور نماید نقض‌کننده می‌تواند به میزانی که خسارت می‌باید تقلیل می‌یافته است، مدعی کاهش خسارت گردد».

بنابراین موضوعیت پیدا کردن ادعای کاهش خسارت آن هم به میزانی که خسارت می‌توانسته حسب به‌کارگیری تدابیر معقول شخص متضرر مورد تقلیل قرار گیرد، ضمانت اجرای عدم اقدام به تخفیف خسارت را از سوی متضرر تشکیل دهد.

۳. تقلیل خسارت در نظام‌های حقوقی انگلستان و ولز، فرانسه و ایران

جهت آشنایی بیشتر با سیمای دکتترین تقلیل خسارت، اوضاع آن تأسیس حقوقی در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان و ولز و ایران مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

از آن‌جا که نظریه تقلیل خسارت ریشه در اصول عمومی حقوق کامن‌لا دارد (King, Trial, & Section, 2008, 172) بنابراین در ابتدای بحث به تبیین وضع نظریه مرقوم در نظام حقوقی انگلستان پرداخته می‌شود.

۱-۳. نظام حقوقی انگلستان و ولز

در روابط قراردادی این امکان مهیا است تا متعاقدين جهت جبران خسارت احتمالی آتی که بر اثر تخلف ایجاد می‌شود، تمهیداتی اندیشیده و به نحوی آن را بیمه و تضمین نموده باشند ولی این بدان معنا نیست که خود در این زمینه مسئولیتی نداشته باشند و آن‌چه پس از بروز تخلف به عنوان خسارت متحمل می‌گردند به صورت کامل قابل جبران باشد. در این زمینه، برخی از نظام‌های حقوقی با صراحت، مقرراتی را نسبت به تقلیل خسارت وضع نموده و وظایفی را برای طرف متضرر پیش‌بینی نمودند. در پاره‌ای دیگر از نظام‌های حقوقی، اگرچه این موضوع به صراحت ذکر نشده است ولی از قواعد کلی و اصول حقوقی می‌توان چنین استنباط کرد که فرد متخلف تنها برای خساراتی که ناشی از تخلف وی بوده است، مسئولیت دارد و نه نسبت به خساراتی که مربوط به تخلفات سرزده از ناحیه وی نیست. (مثل آن‌که توسط عوامل دیگر از جمله اقدامات و کوتاهی‌های شخص متضرر به وجود آمده باشد) (صفایی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۲۷)

نظام حقوقی انگلستان و ولز نیز در زمره آن دسته از نظام‌های حقوقی قلمداد می‌گردد که تأسیس تقلیل خسارت را به صراحت مورد تبیین قرار نداده است.

در نظام حقوقی مزبور و به خصوص مقررات SGA^۱ (قانون بیع کالاها) قاعده مستقل و صریحی در ارتباط با تقلیل خسارت وجود ندارد؛ اگرچه این نهاد ریشه در حقوق کامن^۲ داشته و در تمامی قراردادهای قابل اعمال می‌باشد، با این حال می‌توان در برخی از موارد این قانون، تمایل قانونگذار به پذیرش این تأسیس و الزام طرفین قرارداد به اجرای مفاد آن را دریافت. در نظام حقوقی مذکور نظریه تقلیل خسارت دارای سه جنبه از قرار ذیل است:

الف) این‌که خواهان دعوا (متضرر از نقض قرارداد) نمی‌تواند جبران خسارتی را که قادر به جلوگیری از بروز آن بوده را مطالبه نماید؛ هرچند این خسارت توسط خوانده ناقض قرارداد ایجاد شده باشد. این بدان معنا نیست که متضرر تکلیف قانونی دارد که از ورود خسارت به خویش جلوگیری کند بلکه مفاد نظریه یادشده آن است که وی حق مطالبه خسارتی را که می‌توانسته از ورود آن جلوگیری به عمل آورد، ندارد. البته تکلیف وی در مورد جلوگیری از ورود خسارت، یک تکلیف سخت و سنگین نیست بلکه یک تکلیف معقول و محدود به عرف و رویه تجاری محل است؛

ب) این‌که پس از انجام اقدامات ضروری به منظور کاهش خسارات وارده، متضرر نمی‌تواند منافع احتمالی را که به واسطه اقدام او از به دست آمدن آن‌ها جلوگیری شده است را مورد مطالبه قرار دهد؛

پ) این‌که خواهان متضرر مستحق دریافت کلیه خسارات و هزینه‌های معقولی است که بر اثر اقدام برای کاهش خسارت به وی تحمیل شده است اگرچه این هزینه‌ها در مجموع بیشتر از هزینه‌هایی باشد که اگر اقدامی در راستای کاهش آن نمی‌کرد متحمل نمی‌گردید. (صفایی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۲۸ و ۲۲۹)

در حقوق انگلستان اساس قاعده تقلیل خسارت، مبنای اقتصادی دارد و کارایی اقتصادی عامل اصلی گسترش قاعده در نظام کامن لا و تجارت بین‌الملل است. (شعاریان ۱۳۹۰: ۱۳۱)

پس از آشنایی اجمالی با سیمای تأسیس تقلیل خسارت در نظام حقوقی انگلستان و ولز، به بررسی و کنکاش نهاد مزبور در نظام حقوقی فرانسه پرداخته می‌گردد.

۲-۳. نظام حقوقی فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه اگرچه تصریحی در مورد نهاد تقلیل خسارت به میان نیامده است اما وجود قاعده سنت و مرسوم «تقصیر زیان‌دیده» تا حد زیادی این نارسایی را رفع کرده و بیشتر به همان نتیجه‌ای منجر می‌شود که تقلیل خسارت معطوف به آن است؛ بدین‌شکل و به موجب قاعده مذکور، چنان‌چه عمل خود زیان‌دیده سبب ورود کل خسارت یا بخشی از آن شده است، طرف مقابل حسب‌مورد از پرداخت تمام یا بخشی از خسارت که منتسب به زیان‌دیده بوده است، معاف می‌شود.^۲ بنابراین مشاهده می‌شود که در نظام حقوقی فرانسه نیز به طور ضمنی، برونداد آموزه‌های تأسیس تقلیل خسارت در قانون توجه قرار گرفته است و از این منظر، منعی قانونی در مسیر عملیاتی‌نمودن دکتربین یادشده موجود نیست.

۳-۳. نظام حقوقی ایران و فقه امامیه

با بررسی و کنکاش در مقررات حاضر ملاحظه می‌گردد که نهاد تقلیل خسارت جایگاه خاصی را در نظام حقوقی ملی ندارد. در این خصوص، هرچند به صراحت قاعده‌ای تحت عنوان قاعده تخفیف یا تقلیل خسارت در نظام حقوقی ملی وجود ندارد ولی از برخی مواد قانونی و فروع فقهی، به طور ضمنی وجود این قاعده در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی قابل استنباط است؛ بر این اساس، چنان‌چه زیان‌دیده را منوطاً و عرفاً آن هم در حد استطاعت مؤلف به جلوگیری از زیان دانسته شود، نظری پسندیده و عقلایی است که نمی‌تواند مخالفی در ایران داشته باشد. در حقوق اسلام و به دنبال آن در حقوق ایران، قاعده‌ای تحت عنوان قاعده اقدام وجود دارد که طبق آن هرگاه فردی به ضرر خود اقدام نماید به طوری که سبب ورود ضرر و خسارت به خود گردد، نامبرده مسئول آن است و نمی‌توان دیگری را ضامن دانست. به طور مثال، چنان‌چه فردی با علم به این‌که طرف مقابل مالک مال نیست با وی وارد معامله شود و مالی را از وی

^۱ . Sale of Goods Act. To see the act, refer to the following act:

<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1979/54>

^۲ . صفایی، سید حسین و بقیه؛ پیشین، ص ۲۲۸.

خریداری نماید، بنابراین وی با انجام این کار به ضرر خود اقدام نموده و نمی‌توان فرد دیگری را مسئول ضرر وارد از این معامله دانست. (صفایی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۳۱)

قاعده اقدام به عنوان قاعده‌ای مسقط ضمان یا به صورت کامل اثر معاف‌کنندگی دارد یا به صورت جزئی؛ این قاعده را از موارد معافیت و عدم تعلق مسئولیت مدنی نیز نام برده‌اند. (شکاری و تقوایی ۱۳۹۶: ۱)

در واقع، موقعی که شخصی با توجه و آگاهی، رفتاری را انجام می‌دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران به او گردد، واردکننده زیان که شخص دیگری است مسئول خسارت نخواهد بود؛ جمهور فقهاء، عدم مسئولیت واردکننده زیان را مستند به اقدام دانسته‌اند؛ بدین‌صورت که شخص با اقدام خود موجب از بین رفتن حرمت مالش شده است. (محقق داماد ۱۳۸۸: ۲۲۱)

با این مراتب، اگرچه در قانون مدنی ایران و سایر مقررات موضوعه، قاعده عام و حکم صریحی نسبت به قاعده تقلیل خسارت مورد ذکر قرار نگرفته است ولی برخی از مقررات به آن اشاره صورت پذیرفته است؛ به این مناسبت می‌توان ماده ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶^۱ و ماده ۱۱۴ قانون دریایی ایران مصوب ۱۳۴۳^۲ را مورد اهتمام قرار داد. (شعاریان و رحیمی ۱۳۹۳: ۹۲۵)

با نگاهی به مواد قانونی مذکور استنباط می‌گردد که اجرای مفاد قاعده اقدام و انتقای مسئولیت بر مبنای آن در قانون توجه قرار گرفته است.

در واقع، با اعمال قاعده اقدام می‌توان به نتیجه‌ای مشابه با آن‌چه در قاعده تخفیف یا تقلیل خسارت وجود دارد، رسید. البته در مقام تمییز قاعده اقدام با تأسیس مورد بحث باید متذکر گردید، اگرچه دامنه قاعده اقدام از وسعت بیشتری برخوردار است و در غیر از موارد تقلیل و تخفیف خسارت نیز کارایی پیدا می‌نماید. (صفایی و دیگران ۱۳۹۰: ۲۳۱)

در واقع، شخص متضرر با وجود آن‌که می‌توانسته است با توسل به اقدامات معقول و متعارف راه را برای ایجاد بیشتر خسارت منسد کند، این کار را انجام نداده و بر علیه خود اقدام کرده است؛ بدین‌شکل، نمی‌توان نتیجه اعمال چنین فردی را مشمول مسئولیت کسی دیگر قرار داد.

بر پایه مطالب مطروح می‌توان گفت، این امکان وجود دارد تا دکتربین تقلیل یا تخفیف خسارت در نظام حقوقی ایران بر مبنای قاعده اقدام مورد توجیه قرار گیرد.

^۱ . برحسب ماده منظور: «هرگاه بیمه‌گذار در نتیجه عمل خود خطری را که به مناسبت آن بیمه منعقد شده است تشدید کند یا یکی از کیفیات آن بیمه منعقد شده است تشدید کند یا یکی از کیفیات یا وضعیت موضوع بیمه را بطوری تغییر دهد که اگر وضعیت مزبور قبل از قرارداد موجود بود بیمه‌گر حاضر برای انعقاد قرارداد با شرایط مذکوره در قرارداد نمی‌گشت باید بیمه‌گر را بلافاصله از آن مستحضر کند - اگر تشدید خطر یا تغییر وضعیت موضوع بیمه در نتیجه عمل بیمه‌گذار نباشد مشارالیه باید مراتب را در ظرف ده روز از تاریخ اطلاع خود رسماً به بیمه‌گر اعلام کند. در هر دو مورد مذکور در فوق بیمه‌گر حق دارد اضافه حق بیمه را معین نموده به بیمه‌گذار پیشنهاد کند و در صورتی که بیمه‌گذار حاضر برای قبولی و پرداخت آن نشود قرارداد را فسخ کند و اگر تشدید خطر در نتیجه عمل خود بیمه‌گذار باشد خسارات وارده را نیز از مجرای محاکم عمومی از او مطالبه کند...».

^۲ . طبق ماده مرقوم: «فوت یا صدمات بدنی بر اثر خطای مسافر. در صورتی که متصدی حمل ثابت نماید فوت و یا صدمات بدنی بر اثر تقصیر و یا غفلت خود مسافر بوده و یا عمل مسافر در وقوع آن تأثیر داشته دادگاه بر حسب مورد متصدی حمل را کلاً و یا جزاً از مسئولیت بری خواهد کرد».

برآمد

با توجه به مطالعه‌ها و بررسی‌هایی که در این جستار انجام شد حائز اهمیت است، مبحث تقلیل خسارت چنان که مناسب است در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مورد تبیین قرار نگرفته است؛ اختصاص چند سطر به مبحث مهم تقلیل خسارت نمی‌تواند زوایای پنهان آن را برای همگان آشکار سازد. توصیفی که در کنوانسیون یادشده نسبت به تقلیل خسارت به کار رفته است، حائز ابهام‌های چندی است؛ این موضوع که متضرر در چه اوضاع و احوالی می‌بایست به تقلیل خسارت اقدام نماید یا همچنین این مسئله که منظور از اقدام‌های متعارف چیست و چه مصداق‌هایی را دربرمی‌گیرد، مورد سکوت نویسندگان کنوانسیون مزبور قرار گرفته است. وجود چنین ابهام‌هایی منجر به آن می‌گردد تا در مسیر تطبیق مصداق با حکم تردید وجود بیاید. در واقع، عدم تبیین جزئیات راجع به مسئله تقلیل خسارت باعث می‌گردد تا چالش‌های متعددی در این باره شکل گیرد.

در خصوص استثناء‌های مربوط به تقلیل خسارت نیز رویکرد صریحی دیده نمی‌شود؛ به هر شکل، باید به این موضوع اهتمام داشت که گاهی اوقات، نوع و حجم خسارت به طوری است که متضرر نخواهد توانست به تقلیل خسارت روی آورد. در ارتباط با هزینه‌های ناشی از تقلیل خسارت و این‌که صرف چه نوع هزینه‌هایی از سوی شخص متضرر امکان مطالبه و کدام‌یک قابل مطالبه نیستند نیز راهکار روشنی مورد نظر قرار نگرفته است.

به هر روی لازم است تا حد امکان در تدوین متون حقوقی از عبارات ابهام‌زا استفاده نشود و با اگر چنین است مفهوم و دامنه آن به وضوح معلوم گردد تا بدین صورت، از ایجاد نظرهای متعدد در موارد ناشی از ابهام خودداری صورت پذیرد.

همچنین با التفات به بررسی و کنکاشی که در نظام حقوقی ملی نسبت به تأسیس تقلیل خسارت صورت پذیرفت توصیه می‌گردد تا مبحث تقلیل خسارت با صراحت مورد ذکر و ابعاد آن به عنوان یک نهاد مستقل ترسیم گردد؛ به هر شکل، انتظار می‌رود تا به تناسب‌سازی موازین حقوقی موجود در نظام حقوقی ملی با اسناد بین‌المللی اقدام گردد.

منابع

- (۱) ابهری، حمید و کاویار، حسین (۱۳۹۲)؛ نظریه ی تقلیل خسارت در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران، نشریه دانش حقوق مدنی، شماره ۱.
- (۲) حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۸۹)؛ مطالعه تطبیقی رهیافت های سببیت در مسئولیت مدنی، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱.
- (۳) رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۴)؛ پیش بینی نقض قرارداد، نشریه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۵ و ۱۶.
- (۴) رفیعی، محمد تقی (۱۳۹۱)؛ فرهنگ حقوقی مجد، انتشارات مجد، چاپ دوازدهم، تهران.
- (۵) زهرایی، مرتضی (۱۳۸۳)؛ ضمانت اجرای آرای داوری بین المللی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۱.
- (۶) شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۰)؛ مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲.
- (۷) شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد (۱۳۹۳)؛ حقوق بیع بین المللی؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، تهران.
- (۸) شعاریان، ابراهیم و مولایی، یوسف (۱۳۹۲)؛ شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت، نشریه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۳.
- (۹) شکاری، محمد و تقوایی، عباس (۱۳۹۶)؛ تحلیل قاعده اقدام در فقه و حقوق مدنی ایران، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۲.
- (۱۰) صفایی، سید حسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی؛ میرزائزاد، اکبر (۱۳۹۰)؛ حقوق بیع بین المللی، بررسی کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران.
- (۱۱) غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۸۸)؛ اثر نقض قابل پیش بینی بر روابط قراردادی، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲.
- (۱۲) لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷)؛ ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ نهم، تهران.
- (۱۳) معین، محمد (۱۳۸۶)؛ فرهنگ فارسی معین، انتشارات ادنا، جلد اول، چاپ چهارم، تهران.
- (۱۴) محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸)؛ قواعد فقه، بخش مدنی: مالکیت و مسئولیت، مرکز نشر علوم انسانی، چاپ ۲۲، تهران.
- 15) http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/sale_goods/1980CISG.html (1/9/2017)
- 16) <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1979/54> (1/9/2017)
- 17) Hudson, D. L. (2010). The Handy Law Answer Book, Visible Ink Press. 1-432.
- 18) King, R. C., et al. (2008). Toxic Mold Litigation, American Bar Association. 1-324.
- 19) Klinger, M., et al. (2008). The Surety's Indemnity Agreement: Law and Practice, Tort Trial & Insurance Practice, American Bar Association. Pgs 1-655.
- 20) Niesley, R. C. (2000). Model Jury Instructions for Surety Cases, Tort and Insurance Practice, American Bar Association. Pgs 1-177.